

پروش جرات و شامت در کودکان نوجوانان

دلگرمی‌ها برای مربی در زمینه ایجاد جرات

درباره اینکه آیا مربی در ایجاد جرات در کودکان میتوانند موفق باشد یا نه یادآور می‌شویم که خوشبختانه پاسخ مثبت و دلگرمی‌هایی برای وصول به این هدف جهت مربی موجود است که برخی از آنها عبارتست از:

۱ - وجود زمینه فطری که درباره آن

قبلاً بحث شد .

۲ - وجود روحیه تقلید و همانندی که

در انسان به صورت طبیعی وجود دارد ، شما خوب نگاه کنید که کودکان تان در رفتار و کردار از چه کسانی پیروی می‌کنند؟ خواهید دید از کسانی پیروی می‌کنند که بگونه‌ای در نظرشان مهم و جالب‌آید ، خواه در جنبه مثبت و خواه در جنبه منفی .

یا از آنان بپرسید چه کسی را بیشتر

دوست دارند؟ خواهید دید که چگونه الگو و قهرمانی را معرفی می‌کنند.

۳ - جنبه کمال جوئی . هرکس جلوه‌ای و جرقه‌ای از کمال بینهایت را درخود داراست و جرات از صفات کمالیه است و آدمی آرزوی کسب آن را دارد، دلیلش نسبت دادن شجاعت‌های دیگران بخود توسط کودکان است .

طرق تقویت جرات

در این بخش باید از طرق متعددی که برای وصول به این هدف درپیش است نام ببریم که اهم آنها عبارتست از:

۱ - ایجاد ایمان: اولین گام دراین زمینه ایجاد ایمان و اعتقاد است، ایمان به این که او میتواند و باید جرات داشته و منشاء اثری باشد .

ایمان ستون پایداری است که ما را از افتادن و سقوط دراین جهان متزلزل نگهداری می‌کند، بی‌ایمانی رنج‌آور است و همه چیز را ازدست آدمی می‌رباید حتی جرات و تهور را .

هرچه زمینه ایمانی آدمی بیشتر و بهتر به ابدیت وصل باشد توفیق در داشتن جرات زیادتر است و این از آن بابت که آدمی می‌خواهد یک پناهگاه روحی قوی داشته و خودرا درسایه آن آرامش بخشد .
با ایمان به خدا و معاد این قدرت در

آدمی تقویت می‌شود و زمینه را برای تقویت و یا ایجاد یک ضامن اجرایی قوی فراهم می‌سازد .

عشق به حق و وصول به او میتواند سرچشمه مرادها و مقصودها باشد بدانگونه که آدمی به خاطر وصول بدان همه چیز حتی جان خودرا ناچیز بشمارد . ولی این امر بشرطی که ایمان توأم با خلوص باشد و آن به هنگامی است که مدح و ذم دربرابرش یکسان گردد .

کودک طبیعتاً "در اوان کودکی جرات دارد ولی ایمان ندارد . و این مربی است که باید این زمینه را به موازات رشد در او پدید آورد .

۲ - ایجاد اعتماد بنفس: که آن به حقیقت نتیجه ایمان است . خواه ایمان به خدا و خواه ایمان به امر و مساله‌ای دیگر . اعتماد به نفس به آدمی قدرت و اتکا می‌بخشد و روح را جرات و توانائی می‌بخشد .

۳ - واداشتن بتجزیه و تحلیل مسأله: توجیحات صحیح از زندگی میتواند زمینه جرات را در دل آدمی قوی کند، یعنی آدمی وادار شود که مسائل و مشکلاتی را که درپیش رویش قراردارد بررسی کند، عوارض و معایب امور را درک و تفسیر کند و ببیند درسایه اتخاذ فلان روش بچه عواقبی دچار میشود و بر اثر اتخاذ روش دیگر چه نتایج عاید او خواهد شد .

فی المثل گاهی آدمی میترسد، بررسی این مسأله که از چه چیز میترسد و چرا میترسد میتواند راهگشای او به سوی جرات و قدرت باشد.

۴ - انتخاب همکار و همراه: آدمی از این که در مواجهه با مشکلی خود را تنها می بیند نگران و افسرده و گاهی مضطرب و ترسان است. این زمینه در کودکان بسیار قوی و نیرومند است، دلیل آن این است که وقتی مسئولیتی با او گذار می شود همه گاه بحث می کند "چرا این کار را من انجام دهم؟ چرا دیگری نکند....." وجود معاون و همسان او را از این تنهایی نجات می بخشد. شک نیست هرچه معاون همراه برای او قویتر دلگرمی و پیروزی او بیشتر است و به همین نظر باید خدا را بعنوان ناظر و همراه باو معرفی کرد.

همکاران و همراهان کودکان برادر و خواهر و در صورت فقدان، خود والدینند و به همین نظر وقتی در خانه تنها یک فرزند باشد وظیفه و مسئولیت والدین سنگینتر می شود.

۵ - ایجاد زمینه برای تمرین: باید کودک را واداریم که زمینه مسئولیتی خود را تجربه کند آزمایش نماید تا در سایه آن جراتش قوی گردد.

نخست باید تمرینهای آسان به او داد و خود به انجام نمونه های آن پرداخت. تجارب نشان می دهد که اثر تمرین و

عمل به مراتب بیشتر از پند و اندرز و آموزش است.

به عبارت دیگر مصلحت آنستکه کودکان دم بر بندند و دست عمل بگشایند.

اعتراف والدین به اشتباه خود در حین بروز خطا درس عملی آموزنده ای برای پرورش جرات است و به طفل نشان میدهد که او هم باید بخطای خود اعتراف کند چون هیچ انسانی کامل و دوراز خطا نیست.

۶ - استفاده از زمینه عاطفی و احساسی: گاهی یک خطابه آتشین، یک سخنرانی مهیج میتواند جراتی را برانگیزاند و روحیه ای را تقویت نماید ذکر داستانهای مهیج و شور - انگیز در این زمینه فوق العاده مؤثر است فی المثل ذکر داستان اصحاب حسین (ع) که یکی از آنها گفته بود: "اگر هزار بار کشته و بعد زنده شوم باهم دوست دارم در راه تو باشم و دست از تو برندارم" و یا ذکر گفتار بزرگان از آن جمله "صدبار مردن بهتر از آنستکه آدمی وجدان و طهارت قلبش را آلوده کند" در این زمینه بسیار مؤثر است.

عواملی که جرات را می کشد؛ در اینجا باید از عوامل متعددی نام ببریم که برخی از آنها بقرار زیر است:

۱ - تنبیهات سخت که ذکرش در فوق گذشت.

۲ - طعنه و نیشخند و سرزنش مداوم مثل این "چند بار بتو بگویم؟ کی میخواهی

بفهمی؟ چقدر احمقی؟ و"

۳ - تنبیه بی حساب: کودکی وظیفه‌اش را انجام نداده سلی میخورد، بعد علت عدم انجام وظیفه از او پرسش می‌شود، برآستی و از روی صدق پاسخ میدهد و این پاسخ‌گناه جدیدی به نظر مربی می‌آید و سلی دیگری نثارش می‌کند

این سلی دوم تکلیف آینده طفل را معین می‌کند که صادق باشد یا کاذب .

۴ - ترساندن و محروم کردن از حمایت، مثل این که تا حال در رفتن او بحیاط تاریک حمایتش می‌کردیم و فعلاً" بخاطر اشتباهی این حمایت را از او برداریم .

مقتضای سنی در پرورش جرات

هر سنی مقتضائی دارد که براساس آن باید پرورش طفل همت گماشت فی‌المثل: - کودک ۴ ساله: فردی است مطمئن به قدرت خود، ماجراجو، کنجکاو .

- ۶ ساله: زودرنج است و حساس، طفل آماده هرکار، و دلداری اطمینان کاذب بخود .

- ۸ ساله: مبارزه طلب است، استقلال می‌خواهد، ماجراجوست .

- ۹ ساله: سن طغیان است، می‌خواهد همه‌جا وارد شود، از همه چیز سردرآورد .

- ۱۰ ساله: متعادل است، مشکلاتش را با دنیای خارج اندک است، آرام و ثابت

است .

- ۱۲ ساله: آرام و متعادل است، ایده تغییرات دارد، اصلاح طلب است .

زمینه‌سازی‌ها برای ایجاد جرات: بحث در این زمینه وسیع و پر دامنه است و باختصار به نکاتی متعدد اشاره میشود:

۱ - ایجاد تأمین روحی: تأمین روحی عالیترین وسیله و موجد انرژی در افراد است سیر انسانی را بسوی هدف مداوم و در روان آدمی ثبات و پایداری ایجاد می‌کند .

کودک باید مطمئن باشد که او را محروم نمی‌کنند، آزادی او را از وی سلب نمی‌نمایند درکار شخصیش مداخله نمی‌نمایند .

پرورش روحهای بزرگ در سایه مذهب میتواند رساننده ما بسوی این هدف باشد .

۲ - ایجاد تسلط بر نفس: وقتی آدمی برخوردار از اراده‌اش مسلط باشد نمیتواند اندک جرات خود را نیکو و بموقع خرج کند، درست حرف بزند و نیکو از خود دفاع نماید .

۳ - ایجاد اعتماد بنفس: بگونه‌ای که بخود و عمل خود متکی باشد، حالت اتکالی نداشته باشد، بخود مطمئن باشد و خود را در وصول بحق توانا بداند .

۴ - تقویت بدن: و این امر از عوامل مهمی است که ذکرش قبلاً" گذشت و دیدیم

بقیه در صفحه ۵۴ -

پرورش جرات و شهامت ..

بقیه از صفحه ۱۱

که ضعف و نارسائی تن در جبن مؤثر است .
۵ - بحساب آوردن کودک : مخصوصاً " درمیان جمع ، و ملاطفت و نرمش او ، شرکت دادن او در امور و اجازه دادن باو که حرفش را بگوید ، استدلالش را مطرح کند .
۶ - رشد پرورش عواطف و احساسات : به هنگامیکه آدمی دچار هیجان است تصمیمات مهمی در ذهنش خطور می‌کند و این امر برای عواطف تعدیل شده موهبتی است از آن بابت که بهنگام آرامش و خونسردی میتوان آن را عمل کرد .
۷ - ایجاد اراده و تصمیم‌گیری : ضعف

اراده موجب اشتباهاتی می‌شود و آدمی را بسوی فنا سوق میدهد و برعکس اراده قوی جرات را در آدمی برمی‌انگیزد و باعث صفات مردانگی و دلیری را از خود به منصف ظهور برساند چه بسیار کسانیکه ناصواب را تشخیص ولی فاقد آن اراده و تصمیم لازم برای رفع و جبران آنند .

۸ - حمایت از کودک : که این امر خود مایه دلگرمی او و مشوقی برای بروز جرات و قدرت اوست .
۹ - آموزش صداقت و راستی و ارزش و اعتبار آن و نیز نتایجی را که به دست میدهد .
۱۰ - دانائی که خود توانائی می‌آورد البته بشرطی که عوامل دیگر در او جمع باشد .

بقیه ویژگیهای تربیت اسلامی از صفحه ۱۷

دارند ، گوشت طیور و نوشیدنی‌ها و سبزی منظر و جامها و نامبرده شده . همچنین در اینکه اهل بهشت حرف لغوی از یکدیگر نمی‌شنوند و همه ملاقاتها با سلام و صلح بهمراه است ، و هرآنچه موجب لذت چشم باشد و هرچه اشتها بدان پیدا شود حاضر می‌گردد ، سخن رفته است . و از آنجا که میدانیم بخش عظیمی از لذات زندگی دنیا را همینگونه مناظر و غذاها و ملاقاتها و سلام و علیکها تشکیل میدهد ، پس مانعی ندارد که برای ایجاد اعتقاد به معاد از اینگونه نعمت‌های آخرتی نام برده شود تا کودکان زندگی آخرت را بشناسند و معتقد گردند . ذکر اینطور نعمتها نه تنها

برای اطفال بلکه برای نوجوانان و میانسالان و کهنسالان هم رغبت‌انگیز و درعین حال تربیت کننده و تزکیه کننده می‌باشد . البته در سطوح بالا پیشرفتگان و عابدان و مخلصانی هستند که دیگر خدایا بخاطر بهشتش و اعتقاد به قیامت را بخاطر بهره‌مندی از مناظر زیبایش ارزشیابی نمیکنند . و برای لقاء الله و رضوان الله حیات و هستی خود را که امانت آنهاست به مالک‌یوم‌الدین درطبق اخلاص برمی‌گردانند زبان این رشدیافتگان و فرهنگ آنان به‌گونه دیگر است و از حد اثبات قضیه معاد از طریق استدلال به مدد نعم آخرت گذاشته‌اند .
هذا مقام مکنون لایمسه الا المطهرون .
"امام صادق (ع)"